

درس دهم: رباعی های امروز

چون سیل ز پیچ و تاب صحرا می رفت همراه سحر به فتح فردا می رفت

چون سیل: تشبیه/ فردا مجاز از زمان آینده/ واج آرایبی «ف- - ر» چون: ادات تشبیه و حرف اضافه است نه حرف ربط/ همراه شدن با سحر تشخیص/ سحر، فردا: مراعات نظیر/ همراه سحر، فتح فردا: اضافه استعاری
بی تاب نظیر جوشش چشمه دور این رود به جست و جوی دریا میرفت (سلمان هراتی)
رود نماد و استعاره از مبارز و آزادی خواه/ دریا نماد و استعاره از عظمت، حقیقت، آزادی/ چشمه نماد جوشش، جوشیدن/ واج آرایبی «ش»/ تشبیه: نظیر جوشش چشمه/ دور -رود: جناس قلب/ مانند کردن رود به جوشش چشمه: تشبیه/ چشمه، رود، دریا: مراعات نظیر

رازی که خطر کنندگان می دانند در بازی خون، برندگان می دانند

رازی، بازی: جناس ناهمسان/ خطر کننده کنایه از شجاع و بی باک/ بازی خون کنایه از جنگ و جانفشانی/ برندگان استعاره از شهدا/ بازی، برندگان: مراعات نظیر

با بال شکسته پر گشودن، هنر است این را همه پرندگان می دانند! (مصطفی علی پور)

بال، پر، پرنده: مراعات نظیر/ بال شکسته بودن کنایه از مجروح بودن/ پرگشودن کنایه از پرواز کردن، در اینجا کنایه از شهادت/ با بال شکسته پرگشودن: متناقض نما/ پرندگان استعاره از شهدا/ ایجاز: جمله آن راز این است که «...» از بیت حذف شده است.

ای کعبه به داغ ماتمت، نیلی پوش / وز تشنگی ات، فرات در جوش و خروش

ای کعبه تشخیص نیست زیرا بین ای و کعبه واژه کسی محذوف است/ تلمیح به روز عاشورا و مشک به دست کشیدن حضرت عباس/ داغ، ماتم، نیلی پوش: مراعات نظیر/ تشنگی و فرات: مراعات نظیر/ «نیلی پوش بودن کعبه» و «در جوش و خروش بودن فرات»: استعاره (تشخیص)/ «علت شاعرانه «داغ ماتم» برای سیاه پوشی کعبه» و «علت تشنگی تو» برای «جوش و خروش فرات»: حسن تعلیل/ واج آرایی «ت» نیلی پوش بودن کنایه از سوگوار و عزادار بودن

جز تو که فرات، رشحه ای از یمِ توست / دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش

تشبیه فرات به رشحه (قطره)/ واج آرایی «ک-د-ش»/ رشحه، دریا: تضاد/ مانند کردن تو (حضرت عباس) به یم: اضافه تشبیهی/ مشک به دوش کشیدن کنایه از سقا بودن/ مشک به دوش کشیدن دریا (دریا بی نیاز است ولی مشک به دوش کشیدن نیازمندی به آب است): متناقض نما/ دریا استعاره از حضرت عباس/ فرات، رشحه، یم، دریا، مشک: مراعات نظیر

از چنبر نفس، رسته بودند آنها / بت ها همه را شکسته بودند آنها

چنبر نفس: اضافه تشبیهی/ بت ها استعاره از تعلقات نفسانی و دنیوی/ شکستن بت کنایه از مبارزه با نفس/ اشاره به داستان بت شکنی حضرت ابراهیم و حضرت پیامبر: تلمیح

پرواز شدند و پرگشودند به عرش / هر چند که دست بسته بودند آنها (محدثی خراسانی)

پرواز، پر: مراعات نظیر/ گشوده، دست بسته: تضاد/ هر- پر: جناس/ دست بسته: ایهام (۱-بی سلاح ۲- بسته بودن دست ها)/ پرواز مجاز از پرنده/ پرگشودن کنایه از پرواز (منظور از پرواز: شهادت)/ پرواز با دست بسته: متناقض نما/ اشاره به داستان غواصانی که در جنگ با دستان بسته به شهادت رسیدند: تلمیح